

راهبرد و راهکارهای جنگ روانی دشمن از منظر قرآن کریم

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی شجریان*

اشاره

امروزه پیش از آنکه اولین گلوله شلیک شود و نخستین موشک فرود آید، نبردی سهمگین‌تر، پیچیده‌تر و به مراتب تعیین‌کننده‌تر در اذهان و قلوب انسان‌ها آغاز شده است؛ نبردی که از آن با عنوان «جنگ روانی» یاد می‌کنیم. این جنگ، خط مقدمی نامرئی دارد؛ سنگرهایش در اعماق باورهای ماست و مهماتش را کلمات، تصاویر و شایعاتی شکل می‌دهند که روح و روان یک ملت را هدف می‌گیرند. هدف در این نبرد نه تسخیر خاک، که تسخیر اندیشه، فلج‌نمودن روح مقاومت و تهی‌کردن جامعه از امید و اراده است.

این حربه، ابداع امروز بشر نیست؛ چراکه خداوند در قرآن کریم پرده از چهره عاملان این جنگ خاموش برمی‌دارد و آنان را «مُرْجِفُونَ» نامیده است؛ واژه‌ای تکان‌دهنده که از ریشه «رجفه» به معنای «زلزله» می‌آید.^۱ مرْجِفُونَ همان «زلزله‌آفرینانِ دل‌ها» هستند؛ گروهی که مأموریتشان، ایجاد لرزش و تزلزل در پایه‌های امنیت روانی جامعه است. قرآن کریم خطر این جریان را چنان جدی می‌داند که با لحنی بی‌سابقه و تهدیدی کم‌نظیر به آنان هشدار می‌دهد: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا * مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخْذُوا وَقَتُّلُوا تَقْتِيلًا»^۲ اگر منافقان و بیماردلان و کسانی که در شهر شایعه‌پراکنی می‌کنند، دست از کار خود برندارند، تو را بر آنان مسلط خواهیم کرد تا پس از آن جز مدتی اندک در کنار تو نمانند. آنان از همه جا طرد شده و هر کجا یافته

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. محمد سبزواری، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۵، ص ۴۵۴.

۲. احزاب: ۶۰-۶۱.

شوند، دستگیر گشته و به سختی کشته خواهند شد». این برخورد قاطع و خشن به این دلیل است که از منظر قرآن، امنیت روانی یک ملت، خط قرمزی است که بازی کردن با آن به مثابه اقدام علیه امنیت ملی و در حکم محاربه با اساس جامعه اسلامی است.

مرجعفون امروز، همان امپراتوری‌های رسانه‌ای و ارتش‌های سایبری شایعه‌ساز هستند که شبانه‌روزی و ویروس بی‌اعتمادی، ناامیدی و تفرقه را در جان جامعه تزریق می‌کنند.

برای درک نقشه دشمن، ابتدا باید میان دو مفهوم کلیدی تمایز قائل شویم: «راهبرد» (Strategy) و «راهکار» (Tactic). راهبرد به معنای نقشه کلان، هدف غایی و جهت‌گیری اصلی دشمن است؛ «چرایی» و فلسفه‌ای که پشت تمام اقدامات او قرار دارد. اما راهکار یعنی اقدامات عملیاتی، شیوه‌ها و ابزارهای مشخصی که برای تحقق آن راهبرد کلان به کار گرفته می‌شود. راهبرد، قطب‌نمای حرکت دشمن است و راهکارها، گام‌هایی هستند که در جهت آن قطب‌نما برداشته می‌شوند.

راهبرد بنیادین دشمن، «جنگ روانی» است؛ این امر چیزی نیست جز فلج کردن دستگاه محاسباتی مؤمن؛ دستگاهی که بر اساس ایمان به غیب، توکل به خدا و امید به وعده‌های الهی عمل می‌کند. دشمن می‌خواهد افزون بر هک این دستگاه، منطق محاسباتی خود را جایگزین آن کند؛ اما برای عملیاتی شدن این نقشه راهکارهای زیادی نیز دارد. در این نوشتار برآنیم تا با الهام از آیات قرآن و سیره اهل بیت علیهم‌السلام، به کالبدشکافی چهار راهکار کلیدی دشمن و شیوه مواجهه با آنها در این نبرد خاموش بپردازیم تا با شناخت دقیق نقشه او، بتوانیم جامعه خود را در برابر این تهاجم همه‌جانبه، واکسینه و مقاوم کنیم.

۱. راهکار اول: تکرار دروغ و شایعه‌پراکنی

۱-۱. بیان درد: فضای مسموم شایعه‌پراکنی

هیچ سلاحی در زرادخانه جنگ روانی، به اندازه «شایعه» ارزان و با این وجود ویران‌کننده نیست. شایعه با سرعتی باورنکردنی در رگ‌های جامعه منتشر می‌شود و اعتماد عمومی را که ستون فقرات امنیت ملی است، از بین می‌برد. خداوند متعال در قرآن کریم این پدیده را با کلمه‌ای «اذاعه» تبیین کرده است: «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ»^۱ و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق)، آن را شایع می‌سازند. «اذاعه» یعنی

۱. نساء: ۸۳.

پخش کردن و انتشار؛^۱ میلی هیجانی که در طبیعت ما برای «اولین نفربودن» در انتقال اخبار داغ وجود دارد. این هیجان همان نقطه‌ای است که ما را در تله شایعه گرفتار می‌کند و سبب می‌شود بدون فکر، دکمه «ارسال» یا «Forward» را فشار دهیم. فناوری‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی، این بیماری قدیمی را به یک اپیدمی جهانی تبدیل کرده‌اند.

خطر اینجاست که ما ممکن است خود اهل دروغ نباشیم، اما ناخواسته به ابزاری برای انتشار اکاذیب تبدیل شویم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معیاری طلایی برای سواد رسانه‌ای ارائه می‌دهند: «كَفَى بِالْمَرْءِ كَذِبًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ»^۲ برای دروغ‌گوبودن یک شخص همین بس که هرچه را می‌شنود، نقل کند؛ یعنی هر یک از ما با بازنشر یک خبر تأییدنشده، ناخواسته به سرباز بی‌جیره و موجب در ارتش روانی دشمن تبدیل می‌شویم و در گناه سنگین آن شریک خواهیم بود؛ گناهی که شبیه پرهایی است که در باد رها می‌شود؛ پخش کردنش آسان، اما جمع‌آوری دوباره‌اش ناممکن است.

۲-۱. نمونه: زلزله شایعه در میدان احد

در میدان احد و در آستانه یک پیروزی شیرین، ناگهان با نافرمانی گروهی از تیراندازان، ورق برمی‌گردد. دشمن از پشت سر حمله می‌کند و صفوف مسلمانان را درهم می‌شکند. در میان غبار میدان و همه‌شمشیرها، حدود هفتاد تن از بهترین یاران پیامبر از جمله حمزه سیدالشهداء به خون می‌غلطند. دشمن در میان این وضعیت آشفته، زهرآگین‌ترین تیر خود را از چله کمان جنگ روانی رها می‌کند. شخصی سنگی به صورت مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله زده بود که موجب خونریزی و شکستن دندان ایشان شد. چهره حضرت غرق در خون بود و در میدان نبرد به‌دشواری شناسایی شدنی بود. از سوی دیگر، مصعب بن عمیر صحابی رشیدی که از نظر چهره و قامت شبیه به پیامبر صلی الله علیه و آله بود، به شهادت رسید. قاتل او با تمام توان فریاد زد که «محمد صلی الله علیه و آله را کشتم» و این خبر کذب به‌سرعت در میدان پیچید و زلزله‌ای در روحیه سپاه نوپای مسلمانان ایجاد کرد.

در آن شرایط سخت، جامعه ایمانی به دو نیم تقسیم شد؛ بسیاری که ایمانشان متزلزل بود، با شنیدن این خبر، روحیه‌شان را به‌کلی باختند، دست از جنگ کشیدند و پا به فرار گذاشتند. کار به

۱. محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۹۹.

۲. علی بن حسین علم‌الهدی، الذریعة إلى أصول الشریعة، ج ۱، ص ۵۲۸.

جایی رسید که برخی حتی به فکر بازگشت به دوران کفر و طلب امان از مشرکان افتادند. اما در مقابل، اقلیتی ثابت قدم همچون امیرالمؤمنین علیه السلام و انس بن نصر باقی ماندند که در میان آن غبار یأس، فریاد امید سر می دادند: «اگر محمد صلی الله علیه و آله کشته شد، خدای محمد صلی الله علیه و آله که کشته نشده است؛ برای همان هدفی بجنگید که او برایش کشته شد».^۱ این واقعه تاریخی نشان می دهد شایعه به موقع، می تواند کاری کند که صدها شمشیر از انجام آن عاجزند.

۳-۱. درمان: زنجیره تأیید اطلاعات در قرآن

قرآن کریم پس از تشخیص دقیق این درد، راه درمان و پیشگیری را نیز در همان آیه ارائه می دهد. راهکار قرآن در برابر رفتار ویران کننده «پخش فوری»، تعریف «زنجیره تأیید و مدیریت اطلاعات» است: «وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ»^۲ در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان - که قدرت تشخیص کافی دارند - بازگردانند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد. این بخش از آیه، پروتکلی هوشمندانه و همیشه کاربردی را پیشروی ما قرار می دهد.

۳-۱-۱. ارجاع به متخصص (اولی الامر)

نخستین گام، ارجاع خبر به کارشناسان آن حوزه است؛ در مسائل نظامی به فرماندهان، در مسائل بهداشتی به پزشکان و در مسائل اقتصادی به تحلیلگران آن فن. اینان به دلیل تخصص و اشراف، توانایی درک ابعاد پنهان یک خبر را دارند.

۳-۱-۲. تحلیل عمیق (یستنبطونه)

متخصصان باید اهل «استنباط» باشند؛ «نبط» به معنای آبی است که از اعماق زمین با حفر چاه و به سختی و مشقت به دست می آید.^۳ استنباط یعنی استخراج با مشقت^۴ و در اینجا یعنی به دست آوردن حقیقت از اعماق داده های خام؛ این مفهوم دقیقاً نقطه مقابل «تحلیل های فوری» و سطحی است که امروزه در فضای مجازی موج می زند.

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۱۵.

۲. نساء: ۸۳.

۳. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۴۳۹.

۴. فخرالدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۷۵.

۳-۱. رسیدن به علم (علمه)

نتیجه این فرایند باید رسیدن به «علم» باشد، نه گمان‌های بی‌پایه و تحلیل‌های شخصی. درواقع زنجیره ارجاع و استنباط، باید ما را از فضای مه‌آلود شایعات به سرزمین شفاف علم و آگاهی برساند. قرآن در آیه مهم دیگری با قاطعیت دستور می‌دهد: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^۱ از آنچه به آن علم نداری، پیروی مکن؛ [زیرا] بی‌شک شنوایی، بینایی و قلب‌ها مورد سؤال قرار خواهند گرفت». اگر امروز همین یک آیه مبنای اصلی ما در انتقال اطلاعات به دیگران می‌شد، بسیاری از آسیب‌های فضای مجازی اثری نداشت.

امام حسن مجتبی علیه السلام این منشور قرآنی را در عبارتی کوتاه و عمیق خلاصه کرده‌اند. وقتی از ایشان پرسیدند فاصله میان حق و باطل چقدر است؟ چهار انگشت خود را میان چشم و گوششان قرار دادند و فرمودند: «بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ أَرْبَعَةُ أَصَابِعٍ؛ مَا رَأَيْتُهُ بِعَيْنِكَ فَهُوَ الْحَقُّ وَقَدْ تَسَمَعُ بِأُذُنِكَ بِاطِلًا كَثِيرًا»^۲ فاصله حق و باطل همین چهار انگشت است؛ آنچه با چشمت دیدی، حق است و چه بسیار که با گوش خود، باطل را می‌شنوی. در دوران طوفان اطلاعات، بیش از هر زمان دیگری نیازمندیم که به این منشور امام علیه السلام عمل کنیم و دروازه‌های ذهن خود را به روی هر شنیده‌ای باز نگذاریم.

۲. راهکار دوم: بزرگ‌نمایی تهدیدهای اقتصادی و نظامی

۲-۱. بیان درد: وعده فقر و فلج کردن اراده با رعب

یکی از قدرتمندترین و پرتکرارترین راهکارهای دشمن برای ایجاد اختلال در دستگاه محاسباتی جامعه، ریشه در همان وعده بنیادین شیطان دارد: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ»^۳. «وعده فقر» فقط به معنای ترساندن از تهیدستی در هنگام انفاق نیست، بلکه این آیه راهبردی کلان در جنگ روانی را افشا می‌کند. دشمن در شرایط بحرانی با تمام توان رسانه‌ای خود می‌کوشد این وعده شیطانی را در ابعاد ملی محقق کند: او تحریم‌ها را فلج‌کننده، قدرت نظامی خود را شکست‌ناپذیر و آینده کشور را تاریک و مبهم جلوه می‌دهد. هدف از این سیاه‌نمایی،

۱. اسراء: ۳۶.

۲. سعید بن هبة الله قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۷۲.

۳. بقره: ۲۶۸.

سست کردن اراده مردم برای مقاومت و کشاندن آنان به این نتیجه خطرناک است که «هزینه ایستادگی، بیشتر از فایده آن است».

این راهکار دقیقاً همان است که جریان نفاق در جنگ «احزاب» به کار گرفت. هنگامی که سپاه عظیم دشمن مدینه را محاصره کرده بود و مسلمانان در سخت‌ترین شرایط مشغول حفر خندق بودند، منافقان با نگاه به قدرت ظاهری دشمن، زبان به تضعیف روحیه گشودند و وعده پیروزی پیامبر ﷺ را دروغ و فریبی بیش نخواندند: «وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا»^۱ و [به یاد آرید] زمانی را که منافقان و بیماردلان می‌گفتند خدا و پیامبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده‌اند. منطق آنان کاملاً مادی بود: ما اندک و گرسنه و آنان بسیار و قدرتمند؛ پس مقاومت بی‌فایده است. آنان تسلیم «وعده فقر» شیطان شده بودند.

۲-۲. درمان: نسخه شفابخش علوی و تحریم رسانه‌های دشمن

چگونه می‌توان در برابر این هجمه روانی که بر طبل قدرت دشمن می‌کوبد، ایستادگی کرد؟ پاسخ در یک تغییر نگاه راهبردی نهفته است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در گرماگرم میدان نبرد، آن‌گاه که فرزندش محمد حنفیه را به قلب سپاه دشمن می‌فرستاد، نسخه‌ای شفابخش و دستورالعملی جاودانه برای جنگ روانی صادر کردند. ایشان پس از آنکه فرمودند کوه‌ها هم تکان خوردند، تو تکان نخور؛ این‌گونه فرمان را تکمیل کردند: «أَزِمَّ بَبَصْرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ وَغَضَّ بَصْرَكَ»^۲ نگاهت را به انتهای سپاه دشمن بینداز و [از هیبت ظاهری آنان] چشم بپوش.

این دو جمله کوتاه، یک دنیا حرف دارد: «غَضَّ بَصْرَكَ» یعنی نگاهت را از زرق و برق، هیاهوی ظاهری و تجهیزات نمایان خط مقدم دشمن فروبند؛ به آنها نگاه تفصیلی نکن که لرزه بر اندامت بیفتد و ترسی عمیق در دلت ایجاد شود. اما در مقابل، «أَزِمَّ بَبَصْرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ»؛ یعنی نگاهت را تیز کن و به انتهای سپاهشان، به نقطه ضعفشان، به عمق استراتژیک آسیب‌پذیرشان و به سرنوشت محتومشان بینداز.

این یک دستورالعمل روان‌شناختی بی‌نظیر است؛ درواقع در شرایط جنگی باید دقت کرد که دشمن در چشم ما بی‌دلیل بزرگ نشود. امروز خط مقدم دشمن و «هیبت ظاهری» او، امپراتوری رسانه‌ای اوست. استودیوهای پرزرق و برق، مجریان خوش لباس، تحلیلگران به‌ظاهر متخصص

۱. احزاب: ۱۲.

۲. شریف الرضی، نهج البلاغه، ۵۵.

و تصاویر باکیفیت از تجهیزات نظامی، همگی بخشی از همان نمایشی هستند که برای مرعوب کردن ما طراحی شده است.

راهکار عملیاتی و امروزی دستور امام علی علیه السلام، «تحریم رسانه‌های دشمن» است. چشم‌پوشیدن از این رسانه‌ها، اقدامی فعالانه برای حفظ ثبات قدم و سلامت روانی است. وقتی ما عاقدانه چشم و گوش خود را از شنیدن و دیدن پروپاگاندای دشمن می‌بندیم، درواقع اجازه نمی‌دهیم او تصویر دل‌خواهش از قدرت خود و ضعف ما را در ذهنمان نقاشی کند. این یک انتخاب هوشمندانه برای کنترل ورودی‌های ذهن و جلوگیری از بزرگ‌شدن بی‌دلیل دشمن در دستگاه محاسباتی ماست.

۳. راهکار سوم: رواج یأس و اندوه از آینده

۳-۱. درد و نمونه: القای بن‌بست در جنگ احزاب

دشمن هوشمند می‌داند که نیرومندترین ارتش‌ها نیز اگر امید خود را از دست بدهند، شکست خواهند خورد؛ ازاین‌رو یکی از راهکارهای کلیدی او، پمپاژ دائمی اندوه و القای این حس است که مقاومت بی‌فایده و آینده تاریک است. هدف دشمن، کشتن «امید» به مثابه سوخت اصلی حرکت و مقاومت است.

یکی از شواهد تاریخی این راهکار، در جنگ «احزاب» نمایان شد. خداوند متعال وضعیت روانی مدینه در آن روزهای سخت را این‌گونه به تصویر می‌کشد: «إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا»^۱ [به یاد آرید زمانی را که آنها از هر طرف بر شما وارد شدند و چشم‌ها از شدت وحشت خیره شده و جان‌ها به گلوگاه رسیده بود و گمان‌های گوناگونی درباره خدا می‌بردید].

در چنین اتمسفر خفه‌کننده‌ای از ترس و تردید، جریان نفاق و ستون پنجم دشمن، مأموریت خود را آغاز کرد. آنان نه تنها مردم را به ترک جبهه تشویق می‌کردند: «يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا»^۲ بلکه مستقیماً امید به نصرت الهی را به سخره می‌گرفتند و آن را فریبی بیش نمی‌خواندند: «مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا»^۳ خدا و پیامبرش جز وعده‌های دروغین به ما

۱. احزاب: ۱۰.

۲. احزاب: ۱۳.

۳. احزاب: ۱۲.

نداده‌اند». این جمله، عصاره جنگ روانی است: حمله مستقیم به «امید» و القای بن‌بست قطعی.

۳-۲. درمان: منطق «برتری ایمانی» و «إحدى الحسنيين»

خداوند متعال شاه‌کلید عبور از این دره یأس را نیز معرفی می‌کند: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱.

این آیه، معادله‌ای قدرتمند را پیش روی ما می‌گذارد: فرمان به سست‌نشدن و اندوهگین‌نبودن: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا» مبتنی بر یک دلیل بنیادین است: «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» زیرا شما برترید». اما این برتری نه به تعداد نفرات است و نه به حجم تجهیزات، بلکه «برتری ایمانی» است که دستگاه محاسباتی مؤمن را به کلی از دشمن متمایز می‌کند.

این برتری در آیه دیگری رمزگشایی می‌شود؛ آیه‌ای که «شکست» را از فرهنگ لغت مؤمن حذف می‌کند: «قُلْ هَلْ تَرَبُّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ»^۲ بگو آیا درباره ما، جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید؟». منطق «إحدى الحسنيين»، نگاه «برد - برد» را به مؤمن هدیه می‌دهد: در این میدان یا پیروزی ظاهری است که «حسنه» است یا شهادت که «حسنه» ای بزرگ‌تر و فوزی عظیم است. اما برای دشمن، معادله همیشه «باخت - باخت» است: یا شکست می‌خورد و ذلیل می‌شود یا پیروز می‌شود؛ اما در سرای ابدی آخرت، راهی جهنم می‌گردد.

اما نباید از شرط این معادله غافل شد: «إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». تمام این برتری و روحیه شکست‌ناپذیر از سرچشمه «ایمان» به خدا، معاد و حیات ابدی می‌جوشد. بدون ایمان به سرای آخرت، شهادت معنایی جز نابودی ندارد و منطق «إحدى الحسنيين».

۴. راهکار چهارم: دوقطبی‌سازی و تفرقه‌افکنی

۴-۱. درد: فروپاشی از درون

بزرگ‌ترین آرزوی هر دشمنی، فروپاشاندن جبهه داخلی حریف از درون است. راهکار «تفرقه بینداز و حکومت کن»، استراتژی قدیمی اما همواره مؤثر است. دشمن با بزرگ‌نمایی اختلاف‌های قومی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی، می‌کوشد افزون بر تبدیل جامعه به گروه‌های

۱. آل‌عمران: ۱۳۹.

۲. توبه: ۵۲.

متخاصم، انرژی آن را صرف درگیری‌های داخلی کند.

خداوند متعال با هشداری بی‌سابقه، پیامدهای این راهکار را در یک قانون جامعه‌شناختی دقیق بیان می‌کند: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»^۱ و با هم نزاع نکنید که سست شوید و قدرت و شوکت شما از میان برود». این آیه، فرایند دومرحله‌ای ویران‌کننده‌ای را توصیف می‌کند: اول: فروپاشی درونی: «فَتَفْشَلُوا»؛ اولین پیامد نزاع، «فَشَل» به معنای سستی، ضعف، بی‌رمقی و ترس است.^۲ وقتی نیروهای یک جامعه به جای تمرکز بر دشمن مشترک، مشغول خنثی کردن یکدیگر شوند، تمام انرژی‌شان هدر می‌رود و حالت فروپاشی درونی بر کل سیستم حاکم می‌شود.

دوم: فروپاشی بیرونی: «وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»؛ ضعف داخلی به سرعت به «ذهاب ریح» (رفتن باد) منجر می‌شود، مانند کشتی که بدون باد از حرکت می‌ایستد و ثمری ندارد؛ کنایه‌ای زیبا از زوال قدرت، آبرو، هیبت و اعتبار یک ملت در عرصه جهانی.

۲-۴. نمونه: اولویت وحدت بر توحید در منطق هارون عَلَيْهِ السَّلَام

خطرناک بودن این راهکار تا بدانجاست که قرآن در داستان گوساله‌پرستی بنی‌اسرائیل، اولویت حفظ وحدت را به تصویر می‌کشد. آنها به مدد معجزات الهی، دشمن بیرونی خود (فرعون) را نابود کرده بودند؛ اما خطر «فروپاشی درونی» همچنان وجود داشت. موسی عَلَيْهِ السَّلَام برای میقات به کوه طور رفت. در این غیبت، سامری گوساله‌ای ساخت و قوم را به پرستش آن واداشت. موسی عَلَيْهِ السَّلَام خشمگین بازگشت و با برادرش هارون به تندی برخورد کرد که چرا مانع این انحراف عظیم نشده است. پاسخ و استدلال هارون، درسی شگفت‌انگیز و ابدی است: «إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتُ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ»^۳ من ترسیدم بگوئی میان بنی‌اسرائیل تفرقه انداختی».

به منطق هارون عَلَيْهِ السَّلَام دقت کنید؛ او نگفت من یقین داشتم که تفرقه می‌شود، بلکه گفت «خشیت: ترسیدم». خشیت یعنی ترس مبتنی بر احتمال عقلایی؛ یعنی حتی «احتمال عقلایی» تفرقه و دوقطبی شدن جامعه در نگاه او از انحراف قطعی و عظیم گوساله‌پرستی خطرناک‌تر بود. درس مهم این داستان آن است که یک جامعه با اعتقادات انحرافی اما بدون تنازع و بدون

۱. انفال: ۴۶.

۲. مبارک بن محمد ابن اثیر، النهاية فی غریب الحديث و الأثر، ج ۴، ص ۴۴۹.

۳. طه: ۹۴.

فروپاشی درونی، بهتر است از جامعه‌ای که دم از توحید می‌زند، اما دچار فروپاشی درونی است و اعضای آن با یکدیگر به نزاع و درگیری مشغول‌اند.

۳-۴. درمان: اعتصام به حبل‌الله و تقویت محورهای وحدت

راهکار قرآن برای مقابله با این حربه مرگبار، تأکید بر «اعتصام به حبل‌الله» و تقویت محورهای همبستگی اجتماعی است؛ از این رو دستور می‌دهد: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۱. ریسمان الهی، همان محورهای مشترکی است که می‌تواند فراتر از منافع فردی و گروهی، همه را زیر یک پرچم گرد آورد:

۱-۳-۴. محور الهی

اتصال به یک محور ماورایی و مقدس (قرآن، دین، اهل بیت علیهم‌السلام) که فراتر از اختلاف‌های زمینی است؛ همان نیرویی که دشمنی صدساله قبایل اوس و خزرج را به برادری تبدیل کرد. داستان قبایل اوس و خزرج که پس از یک قرن جنگ خونین به برکت اسلام و چنگ‌زدن به «حبل‌الله» به برادری معجزه‌آسا دست یافتند، نمونه‌ای تاریخی از راهکار تفرقه‌افکنی دشمن است. توطئه یک بزرگ یهودی برای زنده‌کردن کینه‌های گذشته از طریق یادآوری جنگ «بُعاث»، آنان را تا آستانه نبردی دوباره پیش برد؛ اما نهیب بیدارگر پیامبر ﷺ که آنان را از بازگشت به جاهلیت برحذر داشت و نعمت الفت الهی را یادآور شد، فتنه را در نطفه خفه کرد و دشمنان دیروز را گریان در آغوش یکدیگر قرار داد.^۲ امروز نیز دشمنان با همان شیوه به دنبال فعال‌کردن گسل‌های نزاع قومی، مذهبی و سیاسی در میان ما هستند و تنها راه عبور از این فتنه‌ها، همان اعتصام به ریسمان وحدت‌بخش الهی است.

۲-۳-۴. محور اخلاقی

همیاری متقابل در نیکی‌ها «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» که وحدت را در تاروپود روابط اجتماعی می‌تند. ایثار انصار مدینه در قبال مهاجران، نمونه‌ای از وحدت عملی بود. پس از هجرت مسلمانان از مکه به مدینه، پیامبر اکرم ﷺ برای ایجاد وحدت میان مهاجران بی‌بضاعت و اهالی مدینه، پیمان برادری را برقرار کردند. انصار مدینه اوج «تعاونوا على البر» را

۱. آل عمران: ۱۰۳.

۲. محمدطاهر ابن‌عاشور، تفسیر التحرير و التنوير المعروف بتفسير ابن‌عاشور، ج ۳، ص ۱۷۱؛ احمد ابن‌عجیبه، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۱، ص ۳۸۷.

به نمایش گذاشتند. آنان خانه‌ها، مزارع، اموال و حتی کسب‌وکار خود را با برادران مهاجرشان تقسیم کردند. سعد بن ربیع یکی از ثروتمندان انصار، به برادر مهاجر خود عبدالرحمن بن عوف گفت: «من از همه انصار ثروتمندترم؛ نیمی از تمام اموالم را بردار».^۱

۳-۳-۴. محور هویتی

عناصر ملی مشترک مانند «وطن»، «تاریخ» و «فرهنگ» که در شرایط جنگی به مادری مشترک تبدیل می‌شوند که همه فرزندان با هر فکر و سلیقه‌ای، برای دفاع از او متحد می‌شوند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام خروج از مکه، رو به شهر کردند و فرمودند: «مَا أَطْيَبَكَ مِنْ بَلَدٍ وَ أَحَبَّكَ إِلَيَّ وَ لَوْلَا أَنَّ قَوْمَكَ أَخْرَجُونِي مِنْكَ مَا سَكَنْتُ غَيْرَكَ»^۲ چه سرزمین پاک و دوست‌داشتنی برای من هستی؛ اگر قوم تو مرا بیرون نمی‌کردند، هرگز در جایی غیر از تو ساکن نمی‌شدم». این کلام نشان‌دهنده پیوند عاطفی عمیق حضرت به وطن خویش است و «حُبُّ الْوَطَنِ» را به مثابه یک ارزش تأیید می‌کند.

امروز نیز دشمنان با فعال کردن گسل‌های قومی و مذهبی، همان نقشه قدیمی را دنبال می‌کنند و تنها راه مقابله، چنگ‌زدن آگاهانه به این ریسمان‌های محکم وحدت و اولویت دادن به انسجام ملی بر هر امر دیگری است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق: طاهر احمد زاوی و محمود محمد طنّاحی، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳. ابن عجبیه، احمد، البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق: جوده محمد مهدی و احمد عبدالله قرشی رسلان، قاهره: حسن عباس زکی، ۱۴۱۹ ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر، [بی‌تا].
۵. البخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، [بی‌جا]: دارطوق النجاة، ۱۴۲۲ ق.

۱. محمد بن اسماعیل البخاری، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۳۱.

۲. جلال‌الدین سیوطی، جامع الأحادیث، ج ۱۸، ص ۴۱۶.

۶. سبزواری، محمد، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق.
۷. سیوطی، جلال‌الدین، جامع الأحادیث، قاهره: مفتی الدیار المصریة، [بی‌تا].
۸. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم: دارالهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۹. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع‌البحرین، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۱۰. علم‌الهدی، علی بن حسین، الذریعة إلى أصول الشریعة، تحقیق: ابوالقاسم گرگی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب‌العین، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. قطب‌راوندی، سعید بن هبة‌الله، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش.